

قواعد حل تعارض قراردادهای انتقال فناوری با اصول ۸۱ و ۱۵۳ قانون اساسی

محمد اسحاقی آستانی^{۱*}، حسن سیف‌زاده کرمانی^{۲**}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 10.22034/qjplk.2022.1271.1241

چکیده

انتقال فناوری از راه‌های پیشرفت کشورهای در حال توسعه است که از مجرای انعقاد قراردادهای بین‌المللی میان اشخاص حقیقی یا حقوقی به صورت دو یا چندجانبه صورت می‌پذیرد، اما گاهی مواقع، ممکن است مفاد قراردادهای انتقال فناوری با ایجاد نوعی سلطه‌گری از جانب انتقال‌دهنده همراه بوده و با برخی قوانین یا اصول حاکم بر نظام‌های سیاسی کشور انتقال‌گیرنده در تعارض باشد و مانع تحصیل نتیجه مطلوب طرفین شود؛ چنانکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دو اصل ۸۱ و ۱۵۳ محدودیت‌هایی را برای قراردادهای انتقال فناوری به وجود آورده و نوعی تعارض را در مرحله اجرا ایجاد کرده است. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، با طرح این پرسش که راه‌حل تعارض میان اصول ۸۱ و ۱۵۳ قانون اساسی که برخاسته از قاعده نفی سبیل است و لزوم بهره‌گیری از قراردادهای انتقال فناوری و تجویز آن‌ها در برخی قوانین چیست؟ مشخص شد که با حفظ مبانی، احکام و الزامات قاعده نفی سبیل، برای برون‌رفت از تعارض‌های موجود، می‌توان افزود بر قواعد حقوقی حل تعارض مانند «قاعده حل تعارض انفصالی، شرطی و آلترناتیو» به دو قاعده فقهی «مصلحت» و «اهم و مهم» نیز استناد کرد تا بتوان ضمن صیانت از کيان نظام اسلامی و نفی هرگونه سلطه بیگانه، در عین حال، از مزایای مؤثر انتقال فناوری در جهت توسعه پایدار بهره برد.

واژگان کلیدی: اصول ۸۱ و ۱۵۳ قانون اساسی، انتقال فناوری، توسعه پایدار، قواعد حل تعارض.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

* Email: m.eshaghi.a@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

** Email: hasan.seifzadeh@gmail.com



مقدمه

قراردادهای انتقال فناوری از راه‌های تعامل کشورهای در حال توسعه با صاحبان فناوری برای افزایش شاخص توسعه‌یافتگی است. بنابراین، کشورهایی که خواهان توسعه‌یافتگی بوده اما فاقد بسیاری از فناوری‌ها هستند، برای دستیابی به این مهم، صرفاً دو راه پیش رو دارند؛ یا اینکه خود مبادرت به خلق و اختراع ابزار تکنولوژیک کنند که البته تا زمان به نتیجه رسیدن، بسیاری از این فناوری‌ها منسوخ شده یا کارآمدی خود را از دست خواهند داد و دوم اینکه با صاحبان فناوری تعامل کرده و فناوری‌های مورد نیاز خود را فراهم کنند.

استفاده از قراردادهای انتقال فناوری فی‌نفسه فواید بسیاری برای کشورها دارد، لکن در برخی موارد مفاد این قراردادها با برخی قوانین موضوعه یا اصول حاکم بر نظام‌های سیاسی کشور انتقال‌گیرنده در تعارض است و همچون سدی در مقابل جریان صحیح این قراردادها مقاومت می‌کند و طرفین را از حصول نتیجه مطلوب محروم می‌سازد. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاران خارجی در فضای رقابتی موجود بین دولت‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری، به سمت دولتی متمایل‌اند که تضمین کند آن‌ها ملزم به رعایت قوانین جدید مصوب دولت در طول حیات پروژه نخواهند بود و در صورت رعایت قوانین مذکور، جبران خسارت لازم از سوی دولت میزبان صورت خواهد گرفت (سلیمی ترکمانی و حاضر وظیفه، ۱۳۹۸: ۱۴۳).

چنین معضلی در نظام حقوقی ایران نیز وجود دارد که عبارت است از تعارض قراردادهای انتقال فناوری با اصول ۸۱ و ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. به همین منظور، با توجه به نیاز مبرم کشور ما به انتقال فناوری در بسیاری از جنبه‌ها، پرداختن به تعارض‌های موجود میان قراردادهای بین‌المللی و قوانین کلان بالادستی مانند قانون اساسی و حل این تعارض‌ها ضروری به نظر می‌رسد. ازاین‌رو در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده، در پی پاسخگویی به این پرسش هستیم که راه‌حل تعارض میان اصول ۸۱ و ۱۵۳ قانون اساسی که برخاسته از قاعده نفی سبیل است و لزوم بهره‌گیری از قراردادهای انتقال فناوری و تجویز آن‌ها در برخی قوانین چیست؟

در بررسی پیشینه این پژوهش به تحقیقات ارزشمندی برخوردیم که با وجود داشتن قوت در بیان مطالب، دارای مباحث کلی و عمومی در زمینه مورد بحث ما بودند و هیچ‌یک به‌صورت اخص به بررسی تعارض‌های موجود میان قراردادهای انتقال فناوری و اصول ۸۱ و

۱۵۳ قانون اساسی نپرداخته‌اند. برای نمونه، دانش‌پژوه (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تعارض قوانین در فقه و حقوق اسلام از انکار تا اثبات» به بیان برخی قواعد حل تعارض از دیدگاه فقه اسلامی پرداخته است. همچنین نوری یوشانلوئی و غلام‌دخت (۱۳۹۶) در پژوهشی، قواعد متحدالشکل حل تعارض در قراردادهای تجاری بین‌المللی را بررسی کرده‌اند. تهامی (۱۳۹۲)، در پایان‌نامه ارشد خود به موضوع حقوق قراردادهای انتقال فناوری پرداخته است. شهبازیان و میرعباسی (۱۳۹۹) نیز تعامل میان حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از مخصصات مسلحانه را ارزیابی کرده‌اند.

۱. مفهوم قراردادهای انتقال فناوری

مؤلفه قراردادهای انتقال فناوری مفهومی مرکب است که برای تعریف بهتر آن باید از نظر لغوی تجزیه شود. عقد یا قرارداد یکی از اعمال حقوقی است که آثار حقوقی بر آن مترتب و آن عمل برای رسیدن به این آثار حقوقی انجام گرفته است و برحسب آن «یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد به امری نمایند و مورد قبول آن‌ها قرار گیرد» (مستند ماده ۱۸۳ ق.م).

فناوری معادل واژه فارسی «فناوری» است که از دو واژه techno به معنای «فن و هنر» و logy به معنای علم و دانش تشکیل شده است به معنای «دانش فنی» (باقری‌نژاد و ملاحی، ۱۳۸۶: ۱۵۴). «تکنولوژی عبارت است از دانش چگونگی انجام کلیه امور که ارتباط تنگاتنگ با فعالیت‌های اقتصادی دارند» (اخلاقی و بیابان‌گرد، ۱۳۷۹: ۱۸). بنابر تعریف کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد)، انتقال فناوری یعنی وارد کردن عوامل تکنولوژیک خاص از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه به‌منظور قادر ساختن کشورهای اخیر در تهیه و به‌کارگیری ابزارهای تولیدی جدید و توسعه ابزارهای موجود. در بیان تعریفی جامع باید گفت که فناوری محصولی است که توسط انسان و بر مبنای یافته‌های علمی او تشکیل شده است که دارای دو درجه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بوده و ارتباط عمیق و وثیقی با علم و صنعت دارد و ماحصل آن تولید یک کالا، روش و یا فرایند تولید است. انسان‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از فناوری، هر محصولی را دارای ارزش کنند. فناوری دارای دو بُعد مادی (سخت‌افزار) و غیرمادی (نرم‌افزار) است؛ بنابراین انتقال فناوری عبارت است از دریافت

تمامی عوامل مادی و غیرمادی که زمینه پیشرفت و توسعه جامعه را فراهم سازد؛ بنابراین می‌توان گونه‌های متنوعی از انتقال فناوری را تصور کرد که هر کدام در شرایط خاصی کارایی داشته و ماهیت و ارزش مخصوص به خود را دارند.

۲. بررسی تعارض در قراردادهای بین‌المللی

تعارض قوانین از مباحث مهم علم حقوق است که بیشتر در عرصه حقوق خصوصی بین‌الملل مطرح می‌شود، اما از آنجا که این پژوهش تطبیقی به بحث تعارض قراردادهای انتقال فناوری با برخی اصول قانون اساسی پرداخته است، جستاری از مسئله تعارض قوانین در عرصه حقوق عمومی به حساب می‌آید. تعارض قوانین در واقع، وضعیتی است که قوانین دو یا چند کشور در مورد آن وضعیت، حکم یکسانی نداشته باشند و از آثار حقوقی آن قوانین، نتیجه متفاوت حاصل شود.

به اعتقاد برخی حقوقدانان، تعارض قوانین هنگامی مطرح می‌شود که یک رابطه حقوق خصوصی به واسطه دخالت یک یا چند عامل خارجی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا کند. در چنین مواردی باید دانست قانون کدام یک از کشورها بر رابطه حقوقی موردنظر حکومت خواهد کرد (الماسی، ۱۳۹۲: ۶۳). البته باید توجه داشت که در نظام حقوقی یک کشور امکان تعارض قوانین به نحو ایجاد دو حکم مختلف در موضوعی واحد نیز وجود دارد. به طور کلی، تعارض قوانین زمانی محقق می‌شود که دو قانون بر رابطه‌ای حاکم باشند، درحالی که حکم این دو قانون در خصوص آثار حقوقی آن رابطه با هم مخالف باشد. از این رو این سؤال مطرح شود که در فرایند اجرای قرارداد یا در جریان دعاوی ناشی از قرارداد فی‌مابین طرفین، قانون کدام کشور اعمال می‌شود؟ نکته شایان توجه در این بحث اینک قواعد تعارض در نظام‌های حقوقی دنیا مبانی و توجیهاات خاصی دارند، به نحوی که برخی نظام‌ها در تقابل با قوانین متعارض، انعطاف‌پذیرند و اصل را بر حاکمیت اراده طرفین قرارداد می‌گذارند، اما برخی رژیم‌های حقوقی، در این خصوص غیرمنعطف‌اند و اصل حاکمیت دولت‌ها را مبنای قواعد قانونی خود بیان می‌کنند.

بی‌تردید هر کشوری برای حل تعارض قوانین، قواعد شکلی مختص خود را دارد و از آنجا که در قراردادهای بین‌المللی مفهوم مکان موضوعیت ندارد، بنابراین، به کارگیری قواعد حل تعارض قوانین مختلف کارامدی خود را از دست داده است و به همین سبب، باید از کاربست

قواعد متحدالشکل حل تعارض در اسناد بین‌المللی بهره برد. در واقع، قواعد متحدالشکل حل تعارض، نظام حقوقی حاکم بر موضوع مورد اختلاف را معین می‌کند که البته درصدد تعیین قوانین ماهوی جدید نیست، بلکه یک نظام ملی یا بین‌المللی به‌عنوان قانون حاکم، از بین نظام‌های حقوقی موجود، گزینش و اجرا می‌شود. افزون‌بر این، در مواقع اجمال یا سکوت قوانین بین‌الملل سرمایه‌گذاری، قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه اجرا می‌شود.

۱-۲. قواعد حل تعارض از منظر حقوق بین‌الملل خصوصی

در دنیای امروز عواملی چون گسترش روابط و معاملات بین‌المللی، وجود تفاوت میان قوانین داخلی کشورها و اغماض قانونگذار ملی و امکان اجرای قانون خارجی، مسئله‌ای به نام تعارض قوانین را در حقوق بین‌الملل خصوصی مطرح کرده است. پس تعارض قوانین زمانی پیش می‌آید که یک رابطه خصوصی به‌واسطه دخالت دو یا چند عامل خارجی با قوانین دو یا چند کشور ارتباط پیدا می‌کند. در نظریه‌های حقوقی و کنوانسیون‌های جهانی برای حل تعارض مزبور دو روش اتخاذ شده است؛ روش اول که به روش اصولی یا جزمی مرسوم است، ملاحظات سیاسی و مصالح کشور را بر الزامات حقوقی ترجیح می‌دهد؛ روش دوم که به روش حقوقی یا انتخاب‌انطباق مصطلح شده است، حکمی را که از نظر علمی مناسب هر موضوع حقوقی باشد، مناسب می‌داند (عنابی، ۱۳۹۸: ۱).

به عقیده برخی پژوهشگران، موضوع تعارض قوانین در حقوق بین‌الملل خصوصی، مطالعه قاعده‌هایی است که با اعمال آن‌ها می‌توان درباره قضیه‌ای مربوط به قانون بیگانه به تعیین قانون قابل اجرا دست یافت (سلجوقی، ۱۳۸۰: ۳۲). هنگامی که دادگاه‌های کشوری با رابطه‌ای حقوقی که در آن یک عنصر خارجی وجود دارد، مواجه می‌شوند، موضوع تعارض قوانین مطرح می‌شود، یعنی دادگاه باید تصمیم بگیرد که از میان قوانین مطرح و مربوطه کدام یک بر آن رابطه حاکم یا قابل اعمال خواهد بود. حقوق بین‌الملل خصوصی و تعارض قوانین، مجموعه‌ای از قواعد حقوقی ملی هستند که برای اعمال و پاسخگویی به روابط حقوقی دارای عنصر خارجی وضع و ایجاد شده‌اند (نیکبخت، ۱۳۸۴: ۵۱). در واقع تعارض قوانین هنگامی محقق می‌شود که بتوان از بین قوانین موجود گزینش کرد، اما چنانچه صرفاً یک قانون قابلیت اجرا شدن داشته باشد، دیگر بحث تعارض قوانین مطرح نمی‌شود. بنابراین در بحث تعارض

قوانین این سؤال مطرح می‌شود که قانون چه کشوری باید حاکم بر دعوا باشد؟

۲-۲. عوامل پیدایش تعارض قوانین

عوامل مختلفی سبب بروز تعارض قوانین می‌شود که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد ذیل

اشاره کرد:

۲-۲-۱. توسعه روابط و مبادلات بین‌المللی

مسئله تعارض قوانین در صورتی می‌تواند مطرح شود که یک رابطه حقوقی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا کند. در دورانی که افراد بیشتر در چهاردیواری کشور خود محصور بودند، مسئله پیدایش تعارض قوانین به‌ندرت مطرح می‌شد، اما همین که امکان گسترش روابط خصوصی افراد در زندگی بین‌المللی به‌وجود آمد و دولت‌ها نیز به توسعه مبادلات بین‌المللی مبادرت کردند، توسعه و پیدایش تعارض قوانین امکان‌پذیر شد (صفایی، ۱۳۹۳: ۲۵).

۲-۲-۲. تفاوت موجود میان قوانین داخلی کشورها

یکی دیگر از عوامل بروز تعارض قوانین، این است که در خصوص یک مسئله حقوقی واحد که به دو یا چند کشور ارتباط پیدا می‌کند، در قوانین داخلی این کشورها احکام متفاوتی وجود داشته باشد، زیرا چنانچه راه‌حل قوانین کشورهای مختلف یکسان باشد، دیگر انتخاب این یا آن قانون به‌خصوص در عمل بی‌فایده خواهد بود. به همین دلیل هر گاه قواعد مادی کشورهای مختلف یکنواخت شود، تعارض قوانین مصداقی پیدا نخواهد کرد (نوری، ۱۳۹۵: ۵۲).

به‌طور کلی باید گفت نقطه عطف حقوق بین‌الملل خصوصی از طریق کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه صلاحیت و شناسایی احکام است. در خصوص صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران هم باید گفت که این مسئله به موجب ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی تقنین شده است. در این ماده صلاحیت بر مبنای تابعیت استوار نیست.

۳. تعارض در قراردادهای بین‌المللی انتقال فناوری با اصول قانون اساسی

نیاز انسان‌ها به فناوری امری گریزناپذیر است که از یک سو انتقال فناوری در رفع این نیاز بسیار تأثیرگذار است و از سوی دیگر، حاکمیت کشورها سلطه‌جویی دیگران را نسبت به منافع و مصالح خود بر نمی‌تابند؛ بنابراین قراردادهای انتقال فناوری باید به‌نحوی باشد که افزون‌بر

بهره‌مند شدن طرفین قرارداد از منافع آن راه هرگونه سلطه بیگانگان بسته شود. مقرراتی از قوانین موضوعه کشور ما که به نظر می‌رسد با مفاد قراردادهای انتقال فناوری امکان تعارض داشته باشند، اصول ۸۱ و ۱۵۳ قانون اساسی است که بر مبنای قاعده نفی سبیل مستند به آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء تقنین شده‌اند که می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». هرچند قانونگذار در تقنین اصول ۸۱ و ۱۵۳ قانون اساسی مطابق با آموزه‌های دین اسلام عمل کرده است، لکن محتوای این اصول با مبانی عقلانی نیز مطابقت دارد. به عبارت دیگر، اصول سیاست خارجی که در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای شرع مقدس اسلام تعیین شده و در قانون اساسی بیان شده است، ملازمه عقلی نیز دارند؛ چراکه هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد دیگری بخواهد بر او سلطه ناروا داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت که نفی سلطه بحثی کاملاً عقلایی است که در حقوق بین‌الملل اسلام رعایت شده است. به همین منظور قانونگذار در اصل ۱۵۲ق.ا. مقرر می‌دارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحابر استوار است».

در خصوص ماهیت قراردادهای انتقال فناوری نظرهای مختلفی وجود دارد، اما فارغ از اینکه ماهیت قراردادهای انتقال فناوری را از چه نوعی فرض کنیم، «بین‌المللی بودن» و «تجاری بودن»، دو ویژگی مشترک این قراردادهاست که می‌تواند آن‌ها را از سایر قراردادها متمایز سازد. از همین رو، باید قواعد حل تعارض در این قراردادها به نحوی اجرا شود که قانون صحیح حاکم باشد. با مطالعه سیر حقوق بین‌الملل در دوران معاصر، شاهدیم که پس از تلاش‌های فراوانی که بیشتر کشورهای در حال توسعه برای ملی کردن منابع خود انجام دادند، همواره در خصوص مرجع حل تعارض‌های قوانین، اختلاف نظر وجود داشت تا اینکه یک رویه بین‌المللی و قاعده عرفی میان کشورها به وجود آمد که قانون کشور میزبان به‌عنوان قانون حاکم برگزیده شود. بند ۱ ماده ۴۱ کنوانسیون ایکسید نیز مؤید این مطلب است که در موارد سکوت طرفین در خصوص قانون حاکم، داوران این نهاد داور برای حل تعارض ملزم به اعمال قانون کشور میزبان هستند. بنابراین، مرکز ثقل قراردادهای انتقال فناوری، قوانین کشور میزبان است و به نظر می‌رسد این راه می‌تواند مناسب‌ترین قانون برای حکومت بر قراردادهای

سرمایه‌گذاری بین‌المللی باشد.

قانونگذار ایران در طول سالیان متمادی قوانین متعددی را در زمینه تجویز قراردادهای بین‌المللی به‌ویژه قراردادهای انتقال فناوری وضع کرده است که البته در بسیاری از موارد نتوانسته‌اند فضای انتقال فناوری را به‌خوبی پوشش دهند و همین مسئله سبب شده است که سیر تحول تقنینی در ایران در زمینه انتقال فناوری دگرگونی‌های زیادی را پشت سر بگذارد. از این رو باید گفت که در ایران، قانون خاصی در خصوص نظارت بر قراردادهای انتقال فناوری وجود ندارد و فقط می‌توان با تفحص در برخی مقررات پراکنده، مقرراتی را در زمینه نظارت بر قراردادهای مزبور بیان کرد. اصول ۴۴، ۸۱، ۱۳۹، ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی از جمله مقرراتی است که در نحوه مدیریت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور در زمینه روابط بین‌الملل تقنین شده است. همچنین موضوع قراردادهای انتقال فناوری در برخی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور قابل ملاحظه است.

از جمله قوانین داخلی دیگری که در زمینه انتقال فناوری مورد توجه قرار می‌گیرد، قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۲ است که در آن به مواردی نظیر دانش فنی، حق اختراع، خدمات تخصصی به‌عنوان سرمایه قابل پذیرش اشاره شده است (مستند بند ۱ ماده ۱). همچنین قانونگذار در ماده ۲ قانون مزبور، پذیرش سرمایه خارجی را منوط به احراز شرایط و ضوابطی کرده است که اولاً موجبات رشد اقتصادی و ارتقای فناوری را فراهم سازند و ثانیاً محل امنیت ملی و عمومی نباشند.

قانون «حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به‌منظور صدور خدمات» مصوب ۱۳۷۵ نیز همه دستگاه‌های اجرایی و اشخاص حقوقی دولتی را ملزم کرده است که فرصت‌های مناسب و تجهیزات و مواد اولیه را برای محققان و مبتکران داخلی فراهم کنند. همچنین «مجموعه ضوابط راجع به انعقاد قراردادهای انتقال تکنولوژی» که توسط سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، وابسته به وزارت امور اقتصادی و دارایی منتشر شده است که البته مانند قوانین پیشین لازم‌الاجرا نیست، از باب قوانین ارشادی شایان توجه است.

با تأمل در متن قوانین مذکور این مطلب مشخص می‌شود که هرچند قانونگذار در وضع قوانین در خصوص قراردادهای انتقال فناوری و تجویز آن‌ها موفق بوده است، اما در بسیاری

از موارد، دولت‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور در اجرای قوانین مزبور موفق نبوده‌اند و موجب نقض اصول قانون اساسی شده‌اند. به همین منظور در ادامه تعارض قراردادهای انتقال فناوری با دو اصل مهم از قانون اساسی تحلیل شده است.

۳-۱. تعارض با اصل ۸۱ قانون اساسی

اصل ۸۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجارتي و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است». پس از تصویب این اصل، عده‌ای از حقوقدانان تفسیرهای مطلقه را ارائه دادند و اصل مزبور را مانعی بزرگ در مسیر سرمایه‌گذاری‌های خارجی دانستند، بدین ترتیب می‌توان گفت سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تا حد زیادی مورد تردید واقع شد. بنابراین، با چنین برداشت‌های ناصوابی از قانون، انتقال فناوری فقط در مواردی کاربرد داشت که فناوری را خریداری کنیم و فعالیت مستقیم شرکت‌های خارجی در ایران یا انجام خدمات فنی و مشاوره‌های تخصصی و اعزام کارشناس فنی به کشور عملاً امکان‌پذیر نبود. از این رو باید درک صحیح‌تری از اصل ۸۱ ق.ا. ارائه کرد تا بتوان تعارض موجود میان این مقرر قانونی را با سایر تجویزهای قانونگذار حل کرد. به همین منظور یکی از مفاهیم مذکور در اصل ۸۱ که باید تبیین شود، مفهوم «امتیاز» است. به طور کلی منظور از امتیاز در اصل مزبور چیست؟ در واقع، «امتیاز مجوزی است که از سوی دولت به شخص یا اشخاصی برای بهره‌برداری و تحصیل منفعت از امکانات و منابع داده می‌شود. این مجوز برای ایجاد و احداث کارخانه یا استخراج و بهره‌برداری از منابع طبیعی صادر می‌گردد و در نهایت منفعت آن به امتیازگیرنده یا امتیازدهنده تعلق خواهد گرفت» (خزاعی، ۱۳۷۱: ۲۳).

برخی محققان معتقدند که در صورت تفکیک اعمال دولت، اعطای امتیاز به خارجیان در پاره‌ای موارد اشکالی ندارد و دولت برای اجرای اموری که بر عهده دارد، باید به دو گونه عمل کند؛ نخست به صورت تصمیمات یکجانبه است که در راستای حفظ و برقراری نظم و امنیت، حدود و ثغور کشور و امور مشابه، باید بدون اتکا به عامل یا نیروی خارجی اتخاذ شود که این‌گونه اعمال، اعمال تصدی حاکمیت نامیده می‌شوند؛ دوم، قراردادهای اداری که دولت برای انجام برخی امور عمومی، فعالیت‌هایی را که در بخش دولتی بر عهده دارد، از طریق

قراردادهای اداری به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار می‌کند (هاشمی، ۱۳۹۴: ۲۲۶). اما نکته مهم اینکه به‌طور معمول منظور از امتیازهای دولتی، همان قراردادهای امتیازی هستند و ممنوعیتی که در اصل ۸۱ قانون اساسی به‌صورت مطلق آمده است، صرفاً در مورد امتیاز در اصطلاح حقوقی آن است؛ بنابراین، ممنوعیت تأسیس شرکت‌های تجاری، صنعتی، خدماتی و... در جهت جلوگیری از تسلط خارجی‌ان بر امور کشور انجام می‌گیرد. البته شورای نگهبان از دهه‌های گذشته در مقام نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی و اساسنامه‌های مصوب دولت و در پاسخ به استفساریه‌های متعدد، نظرهای تفسیری خود را در خصوص موضوعات انتقال فناوری و قراردادهای بین‌المللی با طرف‌های خارجی اعلام کرده است.

۲-۳. تعارض با اصل ۱۵۳ قانون اساسی

اصل ۱۵۳ق.ا. یکی از اصول مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که مقرر می‌دارد: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است». وضع چنین اصلی در قانون اساسی یک کشور با نیاز آن کشور به تعامل با کشورهای دیگر به‌ویژه در زمینه انتقال دانش فنی و فناوری در تعارض آشکار است؛ چراکه یکی از جنبه‌های مهم نظام بین‌الملل در زمینه تعامل کشورها و حکومت‌ها با یکدیگر، معاهدات و قراردادهایی است که در قالب مقررات و قوانین حقوق بین‌الملل منعقد می‌شود و کشورهای متعهد، باید در جهت حفظ صلح، ثبات و امنیت جهانی به این قوانین پایبند باشند. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از اعضای تأثیرگذار جامعه بین‌المللی، همواره متعهد بودن خود را به معاهدات و قراردادهای بین‌المللی نشان داده است. اما طبق اصول قانون اساسی، ایران صرفاً معاهدات و قراردادهایی را امضا می‌کند و بدان‌ها متعهد می‌شود که نافی هرگونه سلطه کشورهای بیگانه بر نظام اسلامی باشد.

چنانکه بیان شد، اصول قانون اساسی ایران بر مبانی فقهی مستدلی استوار است و محتوای آن‌ها مستنبط از کتاب خدا و سنت معصومان (ع) است که البته احکام مستخرج از این دو منبع بزرگ مورد تأیید عقل نیز است. به گفته برخی پژوهشگران، هدف از وضع قوانین سیاست خارجی، تبیین رسالت خطیر کارگزاران سیاست خارجی و مرتبطان آنان، تحکیم اعتقاد به این اصول مقدس، ایجاد احساس تعهد بیشتر و درک فرصت گرانبهایی است که برای صدور

شایسته و بایسته انقلاب اسلامی در اختیار آنان قرار گرفته است (حسینی، ۱۳۹۶: ۱۱). آنچه از اصل ۱۵۳ ق.ا. به عنوان خطوط کلی سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران استنباط می‌شود، بسیار گسترده است. به عنوان محورهای اصلی سیاست خارجی نظام اسلامی مطرح شد، افزون بر تطابق با آموزه‌های دینی، با مبانی عقلانی نیز همسوست. به تعبیر دیگر، در مفاد اصول سیاست خارجی ایران، ملازمه عقلی و شرعی احکام کاملاً هویداست. اما موضوعی که در اصل ۱۵۳ ق.ا. ممنوع شده، انعقاد هرگونه قراردادی است که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور شود. این در حالی است که ایران جزء کشورهای در حال توسعه است و نیاز به انتقال برخی فناوری‌ها دارد، لیکن براساس اصول سیاست خارجی که در چارچوب قانون اساسی تدوین و تعیین شده است، صرفاً قراردادهایی در فرایند انتقال فناوری می‌توانند دارای اعتبار باشند که فارغ از تأمین منافع کشور، هرگونه سلطه‌جویی بیگانگان را نسبت به منافع و منابع ملی ایران نفی کنند.

با عنایت به نظرها و تفاسیر ذکر شده از جانب عالی‌ترین مقام نگهبان قانون اساسی کشور باید اذعان داشت که تردیدها در مورد اصول ۸۱ و ۱۵۳ ق.ا. ناشی از نگاه اطلاق‌گرایانه برخی مفسران است و نه تنها این اصول، مانعی در مسیر فرایند انتقال فناوری نیستند، بلکه با شناخت قیودی که در بطن اصول مزبور جاری می‌شود، می‌توان ممنوعیت مذکور در آن‌ها را به منظور جلوگیری از سلطه و سیطره شرکت‌ها و دولت‌های خارجی بر نظام اسلامی قلمداد کرد که همسو با سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین در خصوص اصول ۸۱ و ۱۵۳ ق.ا. اصل بر ممنوعیت اعطای امتیاز به خارجیان است، مگر در موارد معین که منافع ملی کشور تأمین شود. البته این نکته مهم را نباید از نظر دور داشت که موضع برتر در هر قراردادی کم و بیش وجود دارد، لکن ابتدا باید سعی شود که این موضع برتر از آن ما باشد و در غیر این صورت چنانچه برتری از آن طرف مقابل بود، به سلطه منتهی نشود.

۳-۳. راهکارهای برون‌رفت از تعارض قراردادهای انتقال فناوری با

اصول ۸۱ و ۱۵۳

چنانکه در تحلیل اصول ۸۱ و ۱۵۳ قانون اساسی بیان شد، اصل بر حاکمیت دولت و نظام اسلامی در قراردادهای بین‌المللی از جمله قراردادهای انتقال فناوری است و انعقاد هرگونه

قراردادی که این حاکمیت را نقض کند، پذیرفته نیست. اما مسئله مهم آن است که شاید این نگاه در تأمین منافع ملی و مصالح نظام اسلامی پذیرفته باشد، اما تا حدودی سبب به انزوا رفتن کشور در جامعه جهانی می‌شود؛ زیرا طرف‌های خارجی که قصد سرمایه‌گذاری در ایران را دارند، در برخورد با چنین مقرراتی، منافع خود را تضمین شده نمی‌بینند و از انعقاد قرارداد با کشورمان پا پس می‌کشند. به همین دلیل باید نگاهی متعادل‌تر به موضوع حاکمیت اراده در قرارداد داشته باشیم.

از سوی دیگر، آنچه در جامعه جهانی و تجارت بین‌الملل به‌عنوان یک اصل مقبولیت دارد، برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی کشورهاست؛ بدین معنا که در صورت تعارض بین مقررات داخلی با موازین حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل رجحان دارد. بنابراین نمی‌توان با تکیه بر اصل حاکمیت یا استناد به اصول قانون اساسی یا مقررات داخلی، حقوق بین‌الملل عرفی یا تعهدات ناشی از حقوق قراردادی را نادیده گرفت. دائره‌المعارف حقوق بین‌الملل نیز همین مطلب را تأیید می‌کند.

بنابراین یکی از قواعد حل تعارض در این موضوع این است که نظام جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن تمامی اصول حاکمیتی خود و با حفظ مصالح و منافع ملی، برای پیوستن به قراردادها و معاهدات بین‌المللی که حق شرط در آنها پیش‌بینی شده است، رزروهایی را ایجاد کند تا در صورت تضمین مصالح و تأمین منافع به این قراردادها بپیوندد. اما فارغ از این موضوع، راهکارهایی نیز در فقه اسلامی پیش‌بینی شده است که در عرصه فقه حکومتی مطالعه می‌شود. البته حقوق بین‌الملل خصوصی و کنوانسیون‌های بین‌المللی برای حل تعارض قوانین، قواعد متعددی را تعبیه کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به قاعده حل تعارض با عوامل ارتباطی اصلی و فرعی، قاعده حل تعارض تعددی، قاعده حل تعارض آلترناتیو، قاعده حل تعارض انفصالی و قاعده حل تعارض شرطی اشاره کرد. در ادامه به راه‌حل‌های تعارض قراردادهای انتقال فناوری با اصول ۸۱ و ۱۵۳ ق.ا. پرداخته‌ایم.

۳-۱-۳. قواعد فقهی ناظر به رفع تعارض قوانین

در زمینه ارائه راهکارهای فقهی برای برون‌رفت از تعارض موجود در قراردادهای بین‌المللی می‌توان به دو قاعده مهم و مصلحت استناد کرد.

۳-۱-۳-۱. قاعده فقهی اهمّ و مهم

قاعده اهمّ و مهم یکی از قواعد فقهی اصطیادی و از جمله اصول عقلی است که مکلفان می‌توانند هنگام تحیّر در تزامم ملاکات احکام و در مقام عمل با کمک این اصل عقلانی از سرگردانی خارج شوند (زنگی‌آبادی، ۱۳۹۴: ۳۲). مراد از «اهمّ»، امری است که انجام آن از اهمیت زیادی دارد و مهم‌تر است؛ خواه مهم‌تر، از نظر مصلحت اهمی که دارد یا مفسده اهم آن (صفا، ۱۴۲۹: ۲۴). اهمّ و مهم در اصطلاح به معنای تقدم حکم مهم‌تر در جایی است که بین دو حکم (مهم و مهم‌تر) در مقام عمل تزامم وجود دارد. بنابراین، هر گاه بین دو واجب تزامم باشد، در مقام رفع تزامم، در صورتی که یکی اهمیت بیشتری داشته باشد، مقدم می‌گردد و جویاً و باید به اهمّ عمل کرد. این راه‌حل را، قاعده لزوم تقدم اهم بر مهم می‌گویند. بنابراین منظور از اصطلاح «تزامم بین اهم و مهم» همان تدافع بین آنهاست، خواه بین دو مصلحت یا دو مفسده یا مصلحت و مفسده (جمعی از محققان، ۱۳۸۹: ۶۱۳).

هرچند برای اثبات قاعده اهم و مهم می‌توان به ادله اربعه استناد کرد، اما به صورت کلی، این قاعده را باید از مستقلات عقلی به حساب آورد که در آن به اخذ اهم و ترک مهم در فرض تزامم اهم با مهم حکم شده است. برای مثال هر گاه بین حفظ اصل اسلام و واجبی دیگر یا بین حفظ جان و مال شخصی، تزامم شود، باید به تقدیم حفظ اصل اسلام و جان افراد داوری کرد و این داوری را به عقل نسبت می‌دهند (علیدوست، ۱۳۸۸: ۲۱).

در مورد استناد به قاعده اهم و مهم برای رفع تعارض موجود میان لزوم انعقاد قراردادهای انتقال فناوری با برخی اصول قانون اساسی می‌توان اذعان داشت در مواقعی که مصالح مهم و مهم‌تر موجود بوده اما مصلحت مهم‌تر در حال تفویت است، باید مصلحت مهم را رها کرد و مصلحت مهم‌تر را دریافت. به عبارت دیگر، هرچند اجرای قاعده نفی سبیل برای حفظ نظام اسلامی مهم است، لکن به منظور احیای اندیشه اسلامی و ایجاد ارتباط صلح‌آمیز دولت اسلامی با سایر ملل جهان، باید به ارتباطات و تعاملات نظام اسلامی با سایر نظام‌ها توجه شود، زیرا واقعیات دنیای کنونی، ایجاب می‌کند که ارتباط با دنیا، برای نظام اسلامی امری اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، نظام اسلامی می‌تواند با انعقاد قراردادهای انتقال فناوری که برای ادامه حیات جامعه اسلامی اهمیت دارد، از این فرصت مغتنم در خصوص پیشرفت و توسعه بهره‌بردارد. از سوی دیگر، حفظ وجهه بین‌المللی نظام اسلامی نیز اهمیت والایی دارد و دولت

می‌تواند با پابندی به تعهدات خارجی خود، این وجهه را تقویت کند، اما اجرای قاعده نفی سبیل که البته امری مهم است، در این زمینه نوعی نقض غرض محسوب می‌شود. بنابراین، بهره نبردن از قراردادهای انتقال فناوری می‌تواند ضررهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زیادی برای جامعه اسلامی به همراه داشته باشد.

۳-۱-۲. استناد به قاعده مصلحت

قاعده مصلحت از قواعد مهم و کاربردی در زمینه اداره جامعه است که اندیشمندان اسلامی مباحث نظری بسیار زیادی درباره این قاعده مطرح کرده و آن را بسیار توسعه داده‌اند. مصلحت عنوانی مؤثر و کارا در فقه اسلامی است و تاکنون بحث‌های دامنه‌داری در مورد مفهوم، جایگاه، قلمرو و آثار آن در گرفته است. حضور مصلحت به‌عنوان محور اصلی در تشریع و قانونگذاری از یک سو و نیز نقش آن در استنباط و اجتهاد، نشان از اهمیت بالای آن دارد، تا آنجا که بسیاری مصلحت را مبنای تمامی احکام شرع برشمرده‌اند. همچنین تأثیر مصلحت در تعارض و اجرای احکام به‌ویژه در قلمرو احکام حکومتی و اجتماعی بسیار شایان توجه است (زنگی‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۵).

مصلحت، حقیقتی است که بر فعل مشروع مترتب می‌شود که کمال و رسیدن به هدف، با انجام آن فعل مشروع به‌دست می‌آید. به دیگر سخن، شارع و هر فردی که در پی مصلحت‌اندیشی است، ابتدا اهداف و اغراضی را در نظر می‌گیرد و سپس قوانین و وسایلی را برای رسیدن به آن اهداف وضع می‌کند که این وسایل با آن اهداف مطابقت و سازگاری داشته باشند. در نتیجه، از آن حیث که این احکام و قوانین، ما را به آن اهداف و اغراض می‌رساند، دارای مصلحت‌اند (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

در اندیشه فقهای عظام شیعه، مصلحت به گونه‌های مختلفی عینیت پیدا کرده است؛ برای مثال، شیخ صدوق، بر این نظر است که در صورت وجود امکان استفاده از فرصت‌های موجود برای مصالح عالی می‌توان به‌صورت موقت از این فرصت‌ها استفاده کرد (ر.ک: صدوق، ۱۳۸۴: ۲۵۹). شیخ مفید در اعتبارسنجی مصلحت، پا را از روش اسنادی کامل فراتر گذاشت و به نقش‌آفرینی عقل در این خصوص توجه بیشتری کرد (گرچی، ۱۳۸۸: ۱۴۳) و این مسیر توسط سید مرتضی و شیخ طوسی به کمال خود رسید (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۸۵: ۱۵). محقق کرکی نیز در بحث مصلحت به وصف عمومی و مصالح عمومی توجه داشته است

(کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۲۵). علامه مجلسی نیز مصلحت را به عنوان معیاری برای گونه‌شناسی نظام‌ها بیان می‌دارد (مجلسی، ۱۳۸۴: ۵۰۰).

عالی‌ترین سطح راهبردی مصلحت در نظام اسلامی در آرای فقهی امام خمینی (ره) مشهود است. به عقیده برخی محققان، تفکر راهبردی حضرت امام (ره) منجر شد تا قاعده مصلحت به شکلی نهادی و در سازمان سیاسی قدرت تعریف و عملیاتی شود و بدین ترتیب از یک نظریه ساده و با کاربردی محدود، به نهاد رسمی و قانونی تبدیل گردد (افتخاری، ۱۳۹۲: ۹۱).

با تأمل در دکترین سیاست خارجی مقام معظم رهبری نیز تکیه بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت کاملاً مشهود است و ایشان در طول دوران رهبری جامعه اسلامی ایران، همواره این سه اصل را در روابط خارجی جمهوری اسلامی مورد نظر قرار داده‌اند. معظم‌له در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه در سال ۱۳۷۰ فرمودند: «عزت، حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست». همچنین در بیانیه «گام دوم انقلاب» در سال ۱۳۹۷ مرقوم می‌دارند: «عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی هستند. این‌ها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید».

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر مبنای اندیشه‌های فقهی امام خمینی (ره) بنیان شده است و حفظ عزت و حاکمیت نظام اسلامی از این حیث اهمیت دارد که باید از هرگونه تسلط بیگانه مصون بماند، اما در داخل سیستم حاکمیتی جمهوری اسلامی، افزون‌بر مقام رهبری، برخی نهادها مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی نیز به‌عنوان مراجع و نهادهای تشخیص مصلحت شناخته می‌شوند که می‌توانند در مواقع تنگنا به مصلحت‌سنجی کنند و محدودیت‌ها را از پیش روی نظام اسلامی بردارند. در زمینه انعقاد برخی قراردادهای خارجی شاهد بوده‌ایم که نهادهای مزبور به فراخور جایگاه خود و مقتضیات ذاتی و عملیاتی خود اقدام به مصلحت‌سنجی کرده و تصمیم مقتضی را اخذ کرده‌اند. به نحوی که در برخی موارد، با وجود تسلط جزئی بیگانگان، انعقاد قراردادهایی را برای کشور دارای اولویت دانسته و آن را تنفیذ کرده‌اند. بنابراین با استناد به قاعده فقهی مصلحت می‌توان جامعه اسلامی را از بسیاری از محدودیت‌ها و تنگناهای رهایی داد و این قاعده در حل تعارض میان نفی سلطه در اصول ۸۱ و ۱۵۳ قانون اساسی و قراردادهای

انتقال فناوری بسیار مؤثر واقع شده است. البته شایان ذکر است که مرجع تشخیص قواعدی مانند اهم و مهم و مصلحت شورای نگهبان نیست.

۳-۳-۲. قواعد حقوقی ناظر بر رفع تعارض قوانین

به جز راهکارهای فقهی در بحث حل تعارض قوانین، در سیستم حقوق بین الملل خصوصی نیز قواعدی برای حل تعارضات وجود دارد که در ادامه تبیین شده است.

۳-۳-۲-۱. قاعده حل تعارض انفصالی

در این نوع قاعده حل تعارض، دو عامل ارتباط بر حسب نوع موضوع مطروحه تعیین شده‌اند و در واقع قاعده با دو شاخه تقسیم شده است. نمونه‌های زیادی در این مورد در قوانین مربوط با تقسیم ترکه در بلژیک، فرانسه و بیشتر کشورهای کامن‌لا مشاهده می‌شود که در آن‌ها حکم بر حسب منقول یا غیرمنقول بودن ترکه متوفی متفاوت است. بدیهی است اجرای چنین قاعده‌ای مقدمتاً به انجام نوعی توصیف رابطه حقوقی نیاز دارد. به عبارت دیگر، قاضی باید مشخص کند اموال متوفی منقول یا غیرمنقول هستند تا بر اساس آن با اتخاذ عامل ارتباط مربوط قانون حاکم بر قضیه را مشخص کند (عنابی، ۱۳۹۸: ۱۱).

۳-۳-۲-۲. قاعده حل تعارض شرطی

گاهی اعمال عامل ارتباط متخذه در قاعده حل تعارض مشروط بر تحقق امر خاصی است که حالت‌های گوناگونی از این حیث متصور است. ممکن است در قاعده حل تعارض اجرای عامل ارتباط و در نتیجه اجرای قانون خارجی مربوطه موکول شود به اینکه قاعده حل تعارض کشور خارجی صلاحیت اعطاشده را بپذیرد (فدوی، ۱۳۸۸: ۳۵).

۳-۳-۲-۳. قاعده حل تعارض آلترناتیو

تنظیم قواعد حل تعارض بدین شکل به طور معمول وقتی صورت می‌گیرد که قانونگذار مایل است تا حد ممکن به عمل حقوقی معینی اعتبار بخشد. بدین ترتیب که با معرفی چند عامل ارتباط مقرر می‌دارد که عمل حقوقی معینی در صورت تطابق با هریک از وضعیت‌های پیش‌بینی شده معتبر تلقی خواهد شد (ارفع‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

تعیین عوامل ارتباط آلترناتیو برای شخص، موقعیت بهتری نسبت با موقعیت مورد مشابه

داخلی اعطا می‌کند، زیرا در یک پرونده داخلی وی با مقررات خاص مربوطه مقید است، درحالی‌که در پرونده بین‌المللی به او اجازه داده می‌شود تا مناسب‌ترین و بهترین وضعیت را اتخاذ کند. ایراد روش آلترناتیو وقتی آشکار می‌شود که قانون داخلی موضع سخت‌تری را در همان موضوع اتخاذ کرده باشد، چرا شخص باید از امتیازات بیشتری برخوردار باشد وقتی که رابطه حقوقی مطروحه در ارتباط با چند قانون داخلی است (عنابی، ۱۳۹۸: ۱۳).

نتیجه‌گیری

بهره‌گیری از فواید انتقال فناوری موجب توسعه کشورها می‌شود، اما گاهی مواقع، مفاد این قراردادها با برخی قوانین موضوعه یا اصول حاکم بر نظام‌های سیاسی کشور انتقال‌گیرنده در تعارض است و مانع تحصیل نتیجه مطلوب می‌شود، چراکه ممکن است با ایجاد رابطه حقوقی میان طرفین قرارداد انتقال، نوعی تسلط از جانب انتقال‌دهنده انجام گیرد، چنانکه در نظام حقوقی ایران نیز، محتمل است که برخی قراردادهای انتقال فناوری با اصول ۸۱ و ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به نفی سلطه اشاره دارند، تعارض داشته باشند. بنابراین هنگامی می‌توان راه سلطه‌جویی کشورهای توسعه‌یافته در این زمینه را سد کرد که اولاً، قرارداد انتقال فناوری به صورت صحیح منعقد شده و همه جوانب در آن رعایت شود؛ ثانیاً کشور واردکننده فناوری باید پس از بهره‌برداری از آن، اقدام به بومی‌سازی آن کند تا در استفاده از فناوری به خودکفایی برسد.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که اصول ۸۱ و ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند به صورت مطلق به عنوان مانعی در مسیر فرایند انتقال فناوری قرار داشته باشد، بلکه در این مورد قیودی وجود دارد و ممنوعیتی که در اصول مزبور وجود دارد، به منظور جلوگیری از سلطه و سیطره شرکت‌ها و دولت‌های خارجی بر دولت اسلامی وضع شده است؛ بنابراین در زمینه مزبور، اصل بر ممنوعیت است، مگر در موارد معین. اما از سوی دیگر، بهره‌گیری از فواید قراردادهای انتقال امری اجتناب‌ناپذیر برای کشور ماست؛ ازاین‌رو در این رهگذر تعارضات و تراحماتی در اجرای دو امر به وجود می‌آید. با توجه به اصول حقوقی و برخی قواعد فقهی می‌توان راه‌حلهایی را برای برون‌رفت از تعارض‌های موجود ارائه کرد که استناد به قاعده فقهی مصلحت و قاعده اهم و مهم و نیز اصل احترام متقابل از جمله مهم‌ترین این

راهکارهاست. اما آنچه ضرورت دارد این است که باید متولیان امر هنگام تنظیم و انعقاد قراردادهای بین‌المللی مانند قراردادهای انتقال فناوری، حاکم بودن قوانین جمهوری اسلامی ایران را در مفاد قراردادهای مزبور بگنجانند. البته باید در این رهگذر، امکان اغماض قانونگذاری ملی و امکان اجرای قانون خارجی نیز به‌درستی لحاظ شود، بدین معنا که قانونگذار و قاضی کشور طرف قرارداد در مواردی بپذیرند که قانون کشور دیگر را اجرا کنند؛ چراکه اگر مقنن فقط قانون کشور خود را صلاحیت‌دار بداند و قاضی نیز همواره مکلف باشد که قانون خود را به مرحله اجرا درآورد، دیگر مسئله تعارض قوانین مطرح نخواهد شد.

همچنین این احتمال وجود دارد که طرف خارجی به دلیل سلب برخی آزادی‌های قراردادی یا احتمال تضییع حقوق مادی و معنوی خود، مفاد مزبور را نپذیرد؛ لکن باید توجه داشت که عدم انعقاد یک قرارداد حتی با سود سرشار، بهتر از انعقاد قرارداد نامطلوبی است که منافع و مصالح ملی را تهدید می‌کند و سبب تسلط مادی و معنوی بیگانگان بر کشور ما می‌شود. همچنین انتظار می‌رود ضمانت اجراهای مناسب‌تری برای عدم انجام وظیفه دولت‌ها در این زمینه وضع شود که الزام‌آوری بیشتری به‌همراه داشته باشند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. اخلاقی، بهروز؛ بیابانگرد، حسین (۱۳۷۹)، «فناوری و جایگاه آن در سرمایه‌گذاری خارجی»، فصلنامه مدرس، دوره ۴، ش ۴، ص ۱۷-۳۴.
۲. ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۹۳)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: بهتاب.
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، «تبارشناسی قاعده مصلحت در فقه سیاسی شیعه»، فصلنامه سیاست متعالیه، ش ۱، ص ۷۹-۹۶.
۴. الماسی، نجادعلی (۱۳۹۲)، تعارض قوانین، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۵. باقری‌نژاد، جعفر. ملاحی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «جایگاه مدیریت پروژه در فرایند انتقال تکنولوژی»، فصلنامه مطالعات مدیریت، بهبود و تحول، ش ۵۵، ص ۱۴۹-۱۷۲.
۶. پاکتچی، احمد (۱۳۸۵)، مکاتب فقه امامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۷. سلیمی ترکمانی، حجت؛ حاضر وظیفه، جلیل (۱۳۹۸)، «تعارض میان حقوق بشر و شرط ثبات در حقوق سرمایه‌گذاری خارجی»، فصلنامه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۱۱، ش ۳، ص ۱۶۹-۱۴۳.
۸. تهامی، مینا (۱۳۹۲)، حقوق قراردادهای انتقال تکنولوژی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۹. جمعی از محققان (۱۳۸۹)، فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۰. حسینی، محمد (۱۳۹۶)، «مبانی فقهی اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، ش ۵۰، ص ۱۱-۲۱.
۱۱. خزاعی، حسین (۱۳۷۱)، «سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و اصل ۸۱ قانون اساسی»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴، ص ۹۷-۱۱۶.
۱۲. خمینی موسوی، سید روح‌الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. زنگی‌آبادی، محمدرضا (۱۳۹۴)، شریعت در پرتو مصلحت، کرمان: خدمات فرهنگیان.

۱۴. شهبازیان، علی؛ میرعباسی، سید باقر (۱۳۹۹)، «تعامل میان حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از مخاصمات مسلحانه»، فصلنامه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۱۲، ش ۱، ص ۲۰۳-۲۲۳.
۱۵. شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۳۸۴)، المُنْعَن و الهدایة، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۱۶. صفار، فاضل (۱۴۲۹ق)، فقه المصالح و المفاسد، بیروت: دارالعلوم.
۱۷. صفایی، سید حسین (۱۳۹۳)، مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: میزان.
۱۸. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، فقه و مصلحت، قم: فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. فدوی، سلیمان (۱۳۸۸)، تعارض قوانین، تهران: نوین اندیشه.
۲۰. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۲۱. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، تاریخ فقه و فقها، تهران: سمت.
۲۲. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق)، معارج الاصول، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۲۳. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴)، عین الحیات، تهران: اسلامیه.
۲۴. نوری یوشانلوئی، جعفر؛ غلام‌دخت، سمیرا (۱۳۹۵)، «قواعد متحدالشکل حل تعارض در قراردادهای تجاری بین‌المللی»، مجله حقوق خصوصی، دوره ۱۴، ش ۱، ص ۱۵۵-۱۷۷.
۲۵. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: میزان.
- (ب) انگلیسی

26. Encyclopedia of Public International Law, 2002: Vol 10, p.828
 27. Michael & Pauwelyn, 2011, pp.13-14

References

1. The Holy Quran
2. Akhlaghi, Behrooz; Biabangard, Hossein (2000) "Technology and its place in foreign investment", Modares Quarterly, Volume 4, Number 4, pp. 17-34P
3. Alidoost, Abolghasem (2009) Jurisprudence and expediency, Qom: Islamic culture.
4. Almasi, Najad Ali (2013) Conflict of Laws, Tehran: University Publishing Center.

5. Arfa nia, Behshid (2014) Private International Law, Tehran: Behtab pub.
6. Bagheri Nejad, Jafar. Malahi, Mohammad Reza (2007) "The position of project management in the process of technology transfer", Quarterly Journal of Management Studies, Improvement and Transformation, No. 55, pp. 149-172.
7. Eftekhari, Asghar (2013) "Genealogy of the rule of expediency in Shia political jurisprudence", Quarterly Journal of Transcendental Politics, No. 1, pp. 79-96.
8. Fadavi, Soleiman (2009), Conflict of Laws, Tehran: Novin Andisheh.
9. Gorji, Abolghasem (2009) History of jurisprudence and jurists, Tehran: Samt pub.
10. Group of Researchers, (2010) Dictionary of Principles of Jurisprudence, Qom: Institute of Islamic Sciences and Culture.
11. Hashemi, Seyed Mohammad (2015) Constitutional Rights of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Mizan.
12. Hosseini, Mohammad (2016) "Jurisprudential Principles of Article 152 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran", Quarterly Journal of Jurisprudence and History of Civilization, No. 50, pp. 11-21.
13. Karaki, Ali Ibn Hussein (2012) Jami al-Maghasid, Qome
14. Khazaei, Hossein (1992) "Foreign Investment in Iran and Article 81 of the Constitution", Journal of Justice, No. 4, pp. 97-116.
15. Majlesi, Mohammad Baqir (2005) Ein Al-Hayat, Tehran: Islamieh.
16. Mohaqeq Helli, Ja'far ibn Hassan (2011) Ma'arij al-Osul, Qom: Al-Bayt Institute.
17. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (2006) Sahifa Imam, Tehran: Imam Khomeini Publishing.
18. Nouri Yoshanloui, Jafar; Gholamdokht, Samira (2016) "Uniform Rules for Resolving Conflict in International Trade Contracts", Journal of Private Law, Volume 14, Number 1, pp. 155-177.
19. Pakatchi, Ahmad (2006) Schools of Imami Jurisprudence in Iran, Tehran: Imam Sadegh (AS) University.
20. Safaei, Seyed Hossein (2014) Discussions of Private International Law, Tehran: Mizan.
21. Saffar, Fazel (2018) Fiqh al-Masaleh, Beirut: Dar al-Ulum.
22. Salimi Turkamani, Hojjat; Hazer Vazifeh, Jalil (2019) "Conflict between human rights and the condition of stability in foreign investment law",

- Quarterly Journal of Legal Studies, Shiraz University, Volume 11, Number 3, pp. 143-169.
23. Shahbazian, Ali; Mir Abbasi, Seyed Baqer (2020) "Interaction between International Investment Law and International Humanitarian Law in Investment Lawsuits Arising from Armed Conflict", Shiraz University Legal Studies Quarterly, Volume 12, Number 1, pp. 203-223.
 24. Sheikh Saduq, Mohammad Ibn Ali(2007) Al-Muqna and Al-Hedayah, Tehran: Islamic School.
 25. Tahami, Mina (2013) Law of Technology Transfer Contracts, Master Thesis, Shahid Bahonar University of Kerman.
 26. Zangiabadi, Mohammad Reza (2015) Sharia in the Light of Expediency, Kerman: Cultural Services.

